

## بانویی که زنان معتاد را نجات میدهد

به گزارش پایگاه خبری بنیاد تحول اجتماعی و به نقل از فارس، این نیکوکار گفت: من از سال ۹۵ به صورت جدی شروع به کار کردم؛ پیش از آن در سال ۸۸ گروه کوچکی راه انداخته بودیم که برای آماده‌سازی بسته‌های غذا تشکیل شده بود. در سال ۹۵ به توصیه یکی از دوستان فعالیت خود را جدی‌تر گرفتم و با گذر زمان شناخته‌تر شدم. حوزه کار من زنان خود سرپرست و کارتن‌خواب‌های معتاد بود. طی مدت فعالیت خود توانستم چند نفر را از معضل اعتیاد ترک دهم.

زارع گفت: پیش از شیوع ویروس کرونا به مراتب از مناطق زیادی بازدید می‌کردم و به استان‌های گوناگون می‌رفتم. زمانی که با خانواده‌ها صحبت می‌کردم فهمیدم بسیاری از سرپرست خانواده‌ها درگیر اعتیاد هستند. از این رو زمانی که مشاهده می‌کردم فردی مایل به ترک اعتیاد است اما توانایی مالی لازم را ندارد به آنها کمک می‌کردم. مسئله‌ای که در ترک اعتیاد وجود دارد آن است که فرد معتاد باید بخواهد که ترک کند در غیر این صورت هیچ موقع نمی‌تواند از دام اعتیاد رها شود.

وی افزود: تمرکز من اکنون روی افراد کارتن‌خواب است و بسیاری مایل هستیم که آنها را ترک دهم اما این کار بسیار دشوارتر از ترک دادن افرادی است که در خانه خود زندگی می‌کنند. علت شدت سختی ترک این افراد طرد شدگی و تنهایی آنهاست. در برخی موارد افراد ۱۵ سال از خانواده دور شده اند و دیگر ارتباطی با آنها ندارند.

زارع بیان کرد: نیکوکارانی که که به ما در انجام کارها کمک می‌کردند از مناطق گوناگون بودند؛ در نتیجه اگر موردهای مددجو و نیازمند پیدا می‌شدند از خیرین می‌خواستیم تا بررسی‌های لازم را انجام دهند و از صحت نیازمندی آنها باخبر شوند.

وی گفت: یکی از خیرین ما ابتدا مددجویی بود که مورد حمایت و هدایت قرار گرفت و از آن پس به انجام کار خیر روی آورد. تعداد زیادی از افراد که امروز رابط و همراه ما هستند زمانی مددجوی ما بودند. خوشبختانه تمامی آنها پس از مورد حمایت قرار گرفتن تحصیل خود را ادامه دادند و اکنون عضوی از مجموعه خیریه ما هستند.

این نیکوکار خاطر نشان کرد: من همیشه کارهای خیر خود و مراجعه به کارتن‌خواب‌ها را به همراه دایی و دختر عموی خودم انجام می‌دهم. دلیل اعتماد و عدم ترس من از کارتن‌خواب‌ها آن است که باور دارم آنها نمی‌توانند آزاری به انسان برسانند. عموم این افراد بسیار بی‌آزار و مهربان هستند؛ مکان‌هایی که کارتن‌خواب‌ها در آنجا جمع می‌شوند بخش‌های مشخص شهر می‌باشد. من برخی از این مناطق را پیدا کردم و با بسیاری از آدم‌هایی که آنجا هستند گفت و گو داشته‌ام. آنها در سنین گوناگونی دارند و تمامی آنها افراد بسیار مهربان‌اند.

وی ادامه داد: زمانی که من ۹ ساله بودم پدر من روزی از خانه رفت و دیگر برنگشت. علت این مسئله آن بود که پدرم درگیر اعتیاد شده بود و به دنبال آن تمامی احترام خود را از دست بدهد و طرد شود. بسیاری از مردم بر این باورند زمانی که با یک معتاد صحبت می‌کنند باید او را سرزنش کنند و به او اعمال فشار میکنند تا ترک کنند. این در حالی است که معتادین نیاز به حمایت و همراهی دارند تا از این بیشتر به سمت اعتیاد نروند.

وی گفت: در سال ۷۹ زندگی ما طی هشت ماه نابود شد و ناچار شدیم از یک خانه در محله خوب بندرعباس به منطقه‌ای ناامن برویم. پدر من در آن دوران با گذر زمان افسرده‌تر شد و حال بدی پیدا کرد. اقوام ما به مادرم گفتند تا برای آنکه پدرم به حال خود برگردد باید خانه را ترک کند اما این عمل باعث شد پدرم از خانه برود و دیگر باز نگردد.

زارع یادآور شد: به دنبال این مسائل من تمایل بسیاری دارم که معتادان را ترک بدهم. هدفم از این کار این است که بتوانم مرکزی را برای حمایت و ترک دادن معتادان داشته باشم تا به آنها برای ادامه زندگی بهتر و ترک کردن امید دهم.